

توافق در خدمت حمله

آنچه این روزها از «تفاهم موقت» میان تهران و واشنگتن روایت می‌شود، بیش از آنکه شبیه یک توافق پایدار باشد، به مسکنی فوری برای مهار بحران انرژی غرب شباهت دارد؛ توافقی که قرار است هرگز را باز نکند، نفت را به بازار برگرداند و شوک تابستانی اقتصادی جهانی را عقب بیندازد، اما همچنان سایه جنگ را بالای سر کشور نگه دارد.

۷



همزمان با انتشار اخبار توافق ایران و آمریکا مسعود پزشکیان با حضور در صداوسیما از پخش کلیپ‌هایی درباره مذاکره گلایه کرد

انتقاد از پخش سخنان رهبر شهید

همزمان با انتشار اخبار متعددی از نزدیک شدن ایران و آمریکا به توافقی احتمالی پیرامون پایان جنگ، مسعود پزشکیان در دیدار با مدیران ارشد سازمان صداوسیما سخنان عجیبی بر زبان راند که معنایی جز نارضایتی از انتشار فرمایشات رهبر معظم انقلاب پیرامون ادله خسارت بار بودن مذاکره با آمریکا نمی‌توان برای آن متصور بود. این در حالی است که هم فرمایشات رهبر شهید و هم خطوط قرمز اعلامی رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (حفظه‌الله) پیرامون مذاکرات شفاف و صریح است و مشخص نیست پزشکیان از کدام بخش از فرمایشات رهبر شهید ناراضی است.

گلایه پزشکیان از باز نشر فرمایشات رهبر معظم انقلاب درباره مذاکرات در حالی است که تمامی سخنانی‌ها و فرمایشات رهبر شهید انقلاب در خصوص مذاکره با آمریکا، واجد هشدارها و اندازهای ایشان نسبت به خسارات مذاکره با شیطان بزرگ است؛ از دوران برجام و خسارت محض خواندن معاهده هسته‌ای در دهه ۹۰ تا هشدارهای مکرر در سالهای ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴. هشدارهایی که با گذشت زمان و خروجی دو جنگ مخرب از دو دور مذاکره دولت پزشکیان با آمریکایی‌ها مشخص شد تا چه میزان، دقیق و بجا بودند.

۲



ارزیابی توافق برای مامتی
بر تحقق شروط رهبری است

۳

درس عبرت جنگ و یادآوری
نقش حیاتی کربدورها

صفحه ۴

اقتصادی

صفحه ۳

سیاسی

صفحه ۱۱

فرهنگی

کنگره فعال؛ مجلس در تعلیق

کنگره و سنای آمریکا عملاً به یکی از ابزارهای مکمل دیپلماسی این کشور تبدیل شده‌اند. این در حالی است که مجلس ایران نه در فضای رسانه‌ای نقش فعالی ایفا می‌کند و نه به عنوان یک پشتوانه سیاسی برای تیم دیپلماسی کشور ظاهر شده است.

سینماگران از قطار فیلمسازی پیاده می‌شوند

فیلم دوم علی بهرام، «تهران کنارت» پس از یک هفته فروش پایین در جایگاه سوم جدول فروش قرار گرفت. اما پس از انتشار تیزرش و همین‌طور جزئیات داستان در فضای مجازی بود که ماجرا تغییر کرد و فیلم با جهشی قابل توجه به فروش پنج میلیارد تومانی در هفته دوم خود رسید.

دل‌م برای رهبر شهید سوخت!

سپهر خلجی
رئیس شورای اطلاع رسانی دولت سیزدهم

از دیروز در مورد محتوای مذاکرات و توافقات و تعهدات ایران و آمریکا در رسانه‌های خارجی موارد مختلف و بعضاً متناقضی بیان می‌شود که تکلیف بسیاری از موضوعات اساسی از جمله گرفتن غرامت، حاکمیت بر تنگه هرمز، حفظ غنی‌سازی و ... روشن نیست. تاکنون هیچ مرجع معتبری نیز در داخل از ابعاد این توافق که همه دنیا از آکسیوس و سی‌ان‌ان و العربیه و الجزیره گرفته تا کانال ۱۲ اسرائیل در مورد جزئیات آن صحبت می‌کنند کمترین اطلاعی به مردمی که ۸۰ روز است خیابان را نگه داشته‌اند نمی‌دهد.

متن کامل در صفحه ۲

همزمان با انتشار اخبار توافق ایران و آمریکا مسعود پزشکیان با حضور در صداوسیما از پخش کلیپ‌هایی درباره مذاکره گلایه کرد

انتقاد از پخش سخنان رهبر شهید

آمریکا نمی‌تواند برای آن متصور بود. این در حالی است که هم فرمایشات رهبر شهید و هم خطوط فرمزد اعلامی رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (حفظه الله) پیرامون مذاکرات شفاف و صریح است و مشخص نیست پزشکیان از کدام بخش از فرمایشات رهبر شهید ناراضی است.

همزمان با انتشار اخبار متعددی از نزدیک شدن ایران و آمریکا به توافقی احتمالی پیرامون پایان جنگ، مسعود پزشکیان در دیدار با مدیران ارشد سازمان صداوسیما سخنان عجیبی بر زبان راند که معنایی جز نارضایتی از انتشار فرمایشات رهبر معظم انقلاب پیرامون ادله خسارت‌بار بودن مذاکره با



او را آوردیم پای میز مذاکره نشاندم. او در دنیا از این افتخارات میکند اما برای ما ضرر محض است و هیچ فایده‌ای برای ما ندارد. ایشان در همین سخنرانی فرموده بودند: «قبول مذاکره‌ای که با تهدید همراه است را هیچ ملت با شرفی انجام نمیدهد، هیچ سیاستمدار خردمندی هم آن را تصدیق نمیکند»

بعضی از ضررهای مذاکره جبران‌ناپذیر است
رهبر شهید انقلاب در همین سخنرانی، مذاکره با آمریکا را واجد ضررهای جبران‌ناپذیر برای ایران برآورد کرده و فرمودند: «مذاکره با آمریکا [زیان‌هایی هم مترتب است بر آن. یعنی سود که ندارد هیچ، مطلب دوم این است که مذاکره با آمریکا در شرایط کنونی ضررهای بزرگی برای کشور دارد که شاید بشود گفت بعضی از این ضررها جبران‌ناپذیر هستند، یک چنین زیان‌هایی هم دارد.»

دلیل؟ تجربه!

از جمله فرازهای ماندگار رهبر شهید انقلاب درباره مذاکره با آمریکا، بهمن ماه سال ۱۴۰۳ ایراد شد. حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای در دیدار فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش فرمودند: «مذاکره با آمریکا هوشمندانه، عاقلانه و شرافتمندانه نیست و هیچ تأثیری در رفع مشکلات کشور ندارد؛ دلیل؟ تجربه!»

به دور نخست گفتگوها در عمان در بهار سال ۱۴۰۴ و چه در ایام پس از جنگ ۱۲ روزه، بارها و بارها مخالف صریح خود با مذاکره با آمریکا را تصریح کرده بودند و می‌توان گفت کمتر سخنرانی در دو سال پایانی حیات شریف رهبر شهید انقلاب بود که ایشان نسبت به مذاکره موضع منفی ابراز نکرده باشند.

مذاکره با آمریکا بن بست محض است

قائد شهید امت مهرماه سال ۱۴۰۴ در سخنرانی تلویزیونی خطاب به ملت ایران فرمودند: «این طرف مقابل ما در همه چیز خُلف وعده میکند، در همه چیز دروغ میگوید، فریب اعمال میکند. وقت و بی‌وقت تهدید نظامی میکند، اگر دستشان برسد اشخاص را ترور میکنند، یا مراکز هسته‌ای را بمباران میکنند. با این طرف نمیشود مذاکره کرد، نمیشود با اطمینان و اعتماد نشست و حرف زد، به نظر من مذاکره با آمریکا برای مسئله‌ی هسته‌ای و شاید برای مسائل دیگر بن بست محض است، یعنی هیچ راه درستی وجود ندارد برای این دیگر. بن بست محض است و فکر کنند، ببینند، درست کنند، و برای او البته مفید است، این مذاکره برای آن رئیس‌جمهور فعلی آمریکا آن مفید است، او سرش را بالا خواهد گرفت، خواهد گفت من ایران را تهدید کردم،

جعفر کاظمی

روزنامه نگار

روز گذشته مسعود پزشکیان در نشستی با مدیران سازمان صدا و سیما مدعی شد: «در مواردی، کلیپ‌هایی از بیانات رهبر شهید انقلاب درباره مذاکره به گونه‌ای بازنشمری شود که گویا نظام به صورت مطلق مخالف هرگونه مذاکره بوده است، درحالی که رهبر شهید هیچ‌گاه با مذاکره عزتمندانه، مبتنی بر اقتدار و در چارچوب منافع ملی مخالفت نداشتند و در دیدارهایی که با معظم‌له داشتیم، نگاه ایشان همواره مبتنی بر حفظ عزت، حکمت و مصلحت نظام بود.»
گلایه پزشکیان از بازنشر فرمایشات رهبر معظم انقلاب درباره مذاکرات در حالی است که تمامی سخنرانی‌ها و فرمایشات رهبر شهید انقلاب در خصوص مذاکره با آمریکا، واجد هشدارها و اندازهای ایشان نسبت به خسارات مذاکره با شیطان بزرگ است؛ از دوران برجام و خسارت محض خواندن معاهده هسته‌ای در دهه ۹۰ تا هشدارهای مکرر در سالهای ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴. هشدارهایی که با گذشت زمان و خروجی دو جنگ مخرب از دو دور مذاکره دولت پزشکیان با آمریکایی‌ها مشخص شد تا چه میزان، دقیق و بجا بودند.
رهبر شهید انقلاب چه در بازه زمانی منتهی

چالش «هماهنگی با نظام»

پزشکیان دیروز مدعی شد: «هیچ تصمیمی در جمهوری اسلامی ایران خارج از چارچوب شورای عالی امنیت ملی و بدون هماهنگی و اذن مقام معظم رهبری اتخاذ نخواهد شد.»

ادعای هماهنگی همه تصمیمات با رهبر معظم انقلاب پیش از این و در ایام تصویب برجام نیز به کرات از سوی مقامات دولت روحانی و حامیانش بیان می‌شد؛ چهره‌هایی چون حسن روحانی، قالیباف، ولایتی، آملی لاریجانی و... از جمله افراد مدعی این هماهنگی بودند که البته گذشت زمان و فرمایشات صریح رهبر شهید انقلاب درباره برجام، نقض آن را نشان داد. از این رو سخن دیروز پزشکیان بر نگرانی‌ها درباره جزئیات مذاکره افزود.

یادداشت

دلیم برای رهبر شهید سوخت!

سپهر خلجی

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم

از دیروز در مورد محتوای مذاکرات و توافقات و تعهدات ایران و آمریکا در رسانه‌های خارجی موارد مختلف و بعضاً متناقضی بیان می‌شود که تکلیف بسیاری از موضوعات اساسی از جمله گرفتن غرامت، حاکمیت بر تنگه هرمز، حفظ غنی‌سازی و... روشن نیست. تاکنون هیچ مرجع معتبری نیز در داخل از ابعاد این توافق که همه دنیا از آکسیوس و سی‌ان‌ان و العربیه و الجزیره گرفته تا کانال ۱۲ اسرائیل در مورد جزئیات آن صحبت می‌کنند کمترین اطلاعی به مردمی که ۸۰ روز است خیابان رانگه داشته‌اند نمی‌دهد، شاید محتوای این توافق بگونه‌ای است که قابل انتشار نیست اما یک واقعیت تقریباً روشن است و آن اینکه ظاهراً هیچ بحث و مطالبه‌ای برای مجازات و تقاضای آمران و مباحثان شهادت‌امام عزیز و مرجعیت بزرگ جهان اسلام و خونخواهی رهبر عالیقدرمان در لابلای این رفت و برگشتها وجود ندارد!
دلیم برای رهبر و امام شهید سوخت!

خبر کوتاه

مخبر: صدام و ترامپ هر دو یک خطای راهبردی مرتکب شدند

مشاور رهبر انقلاب در حساب کاربری خود در ویراستی نوشت: صدام و ترامپ هر دو یک خطای راهبردی مرتکب شدند: نشناختن قدرت ملت ایران. اولی در خاکریزهای خرمشهر مدفون شد و دومی در باتلاق ساخته رژیم صهیونی به بحران سیاسی دچار شده است. سوم خرداد به نظام سلطه یادآوری می‌کند که سرنوشت قمار تقابل با جمهوری اسلامی، شکست همه جانبه و تمدنی است.

نیلی: لطفاً شرف یک ملت را نابود نکنید

مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی در حساب کاربری خود در ویراستی نوشت: آقایان سیاستمداران خردمند و باهوش! لطفاً شرف یک ملت را نابود نکنید! زیر سایه تهدید، مذاکره و توافق نکنید؛ هسته‌ای و تنگه هرمز را معامله نکنید؛ با قاتلان خامنه‌ای شهید مصالحه نکنید؛ به امان نامه دشمنان اعتماد نکنید؛ وصایای رهبر شهید را فراموش نکنید؛ منهیات رهبر عزیزمان را نندمال نکنید؛ جریان انقلابی منتقدان را خفه نکنید؛ آتش سلاح زرمندگان را خاموش نکنید؛ به مردم راست بگویید و بی‌تقوایی نکنید؛ از چارچوب شروط رهبری تخطی نکنید؛ به مشاوران ناصالح و سازشکار تکیه نکنید.

ثابتی: جنگ و ترورهای دشمن در پیش است

نماینده مردم تهران در کانال اینستاگرام خود نوشت: اخبار ضد و نقیصی از مذاکرات به گوش می‌رسد و طبق معمول مسئولان تیم مذاکره‌کننده از عراقچی تا قالیباف سکوت کرده و این رسانه‌های آمریکایی هستند که روایت اول را به دست گرفته‌اند و ظاهراً مسئولان ما همچنان مردم را نامحرم میدانند و با آنها سخنی نمی‌گویند. وی افزود: چه توافقی در کار باشد و چه نباشد، اولاً: جنگ در عرصه نظامی ادامه دار خواهد بود. چون هدف دشمن نابودی ماست نه مذاکره و حل مساله. فراموش نکرده‌ایم که دو جنگ قبلی هم شروع شد از وسط میز مذاکره بود و بعید نیست این بار هم در اوج اخبار به ظاهر مثبت درباره مذاکرات، بازم غافلگیری در کار باشد و یکباره حملات دشمن شروع شود. خصوصاً که جمع بندی دشمن بر این است که باید مخالفان تسلیم ایران مقابل دشمن در همه سطوح ترور شوند که گزینه اول‌شان رهبر انقلاب و گزینه‌های بعدی‌شان فرماندهان نظامی و سپس سیاستمداران ضدآمریکایی ماست.

دانشگاه

جزئیات پرونده قاتلان شهید آرمان علی‌وردی را شفاف کنید

شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی در نامه‌ای به رئیس دیوان عالی کشور خواستار شفافیت در ابهامات حقوقی پرونده شهید آرمان علی‌وردی شد و تاکید کرد که این پرونده نیازمند بازبینی می‌باشد. در ابتدای این نامه آمده است: پرونده شهید والا مقام (آرمان علی‌وردی) را می‌توان «سنگ محکی برای قاطعیت دستگاه قضا» دانست؛ لذا مطالبه ما شفاف‌سازی جزئیات پرونده و مستندات دادگاه بدوی و تجدیدنظر برای قضاوت منصفانه صاحب‌نظران است. در ادامه نامه سوالاتی از دستگاه قضا مطرح شده است. ۱. چرا در دادگاه بدوی متهمان به «مشارکت در قتل» محکوم شدند، اما در تجدیدنظر فقط یک ضربه عامل مرگ شناخته شد؟ این تغییر نتیجه ناشی از تناقض در گزارش‌های پزشکی قانونی است یا عوامل دیگر؟ چرا با ابهام در تعیین ضارب نهایی، راه فرار از قصاص باز شده است؟ ۲. طبق ماده ۳۸۷ قانون مجازات اسلامی، جراحات پیش از ضربه کشنده که منجر به فوت نشده‌اند، موضوعی مستقل برای قصاص جرح هستند. با وجود تصاویر گویای شکنجه و جنایات متعدد بر پیکر مظهر شهید، چرا هیچ حکم (قصاص جرح) برای متهمان صادر نشده است؟ ۳. اگر به هر دلیل قصاص عضو مقدور نبوده، طبق قاعده «تعدد اسباب و مسببات» و مستند به ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی، می‌بایست دیه جراحات علاوه بر دیه نفس محاسبه و یا تعزیر درجه ششم ثابت شود. اما چرا تنها به دیه نفس اکتفا شده است؟ چرا در این پرونده خبری از ثبوت دیه جراحات متعدد یا تعزیرات درجه ۶ (حبس و جریمه نقدی) که در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی تفصیلات آن مقرر شده، نیست؟ ۴. اگر متهمان از مشارکت در قتل تبرئه شده‌اند، به جهت مساهمت در تسهیل قتل، طبق بند (پ) ماده ۱۲۶، بدون تردید «معاون در قتل» محسوب می‌شوند. چگونه متهمانی که در دادگاه بدوی به قصاص محکوم بودند، اکنون تنها به ۵ سال حبس محکوم شده‌اند؟! چگونه حتی برای آن‌ها از مجازات مناسب معاون در قتل هم خبری نیست؟! این موضوع اگر نشانگر تسامح و تقلیل غیرقانونی مجازات نیست، پس نشانه چیست؟



نفوذ

عصبانیت رانتهای دولتی از تجمعات شبانه



روز گذشته روزنامه اعتماد وابسته به رئیس شورای اطلاع رسانی دولت با تیرتی مشکوک، اقدام به تخریب و ایجاد خدشه به وجهه مثبت تجمعات شبانه مردم ایران کرد. این روزنامه در تیرت شیطنت آمیز خود حادثه ناخوشایند و محصول اختلاف شخصی یک زوج را به نام جمعات شبانه تمام کرده و آورده است: «معمای قتل یک وکیل دادگستری در بیرجند توسط همسرش در تجمعات شبانه» اقدامی که به نظر می‌رسد ریشه در عصبانیت این روزنامه از تداوم تجمعات شبانه مردمی دارد. فارغ از عاقدانه بودن یا نبودن این شیطنت رسانه‌ای که محل بحث است، این سوال ایجاد می‌شود که این روزنامه از توهین به مردم ایران و همچنین گره زدن دعوای خانوادگی و شخصی به تجمعات پرشور و انقلابی ملت ایران چه سودی می‌برد؟! علاوه بر این نکته جالب توجه دیگر اینجاست که خود این روزنامه به غیردقیق بودن گزارش خود اذعان کرده است: «تاکید می‌شود که بخشی از ادعاهای دو نفر از مصاحبه‌شوندگان درباره انگیزه متهم به قتل مورد تایید صد درصدی نویسنده این گزارش نیست، چراکه انگیزه متهم به قتل از ارتکاب جنایت باید توسط مراجع انتظامی و قضایی تایید و اعلام شود.» نکته قابل تامل دیگر زمان انتشار این گزارش غیردقیق است، که همزمان با ابراز شدن حماسه پیرمرد بیرجندی منتشر شد. پیرمردی که ستون پرچم ایران را در آغوش گرفته بود تا در برابر طوفان سهمگین پرچم به زمین نیافتد. پیش از این نیز روزنامه اعتماد در گزارشی به قلم عباس عبدی به مردم مبعوث شده خیابان توهین کرده و آنان را اقلیتی رانته خوانده بود. موضع این روزنامه نزدیک به دولت در کنار تحریکات مشکوک برخی فرمانداران برای پایان دادن به تجمعات شبانه قابل تامل است.

جلسات متعدد کنگره آمریکا درباره جنگ ایران و بازخواست روزانه مقامات سیاسی نظامی دولت ترامپ، درس‌های مشخصی برای مدیریت مجلس ایران دارد

کنگره فعال؛ مجلس در تعلیق

آنچه این روزها در فضای سیاسی آمریکا درباره ایران دیده می‌شود، صرفاً مجموعه‌ای از اختلافات حزبی و دعوای داخلی در واشنگتن نیست؛ بلکه به نظر می‌رسد بخشی از یک طراحی سیاسی - رسانه‌ای برای تقویت موقعیت مذاکره‌کننده آمریکایی در برابر ایران باشد. به بیان دیگر، کنگره و سنای آمریکا عملاً به یکی از ابزارهای مکمل دیپلماسی این کشور تبدیل شده‌اند؛ ابزاری که وظیفه آن، ساختن این تصویر برای طرف مقابل است که «دولت آمریکا با محدودیت رویه‌روست» و هرگونه توافق با امتیازدهی باید از سد ساختار پیچیده داخلی عبور کند. این در حالی است که مجلس ایران نه در فضای رسانه‌ای نقش فعالی ایفا می‌کند و نه به‌عنوان یک پشتوانه سیاسی برای تیم دیپلماسی کشور ظاهر شده است.

سعید قاسمی

روزنامه نگار

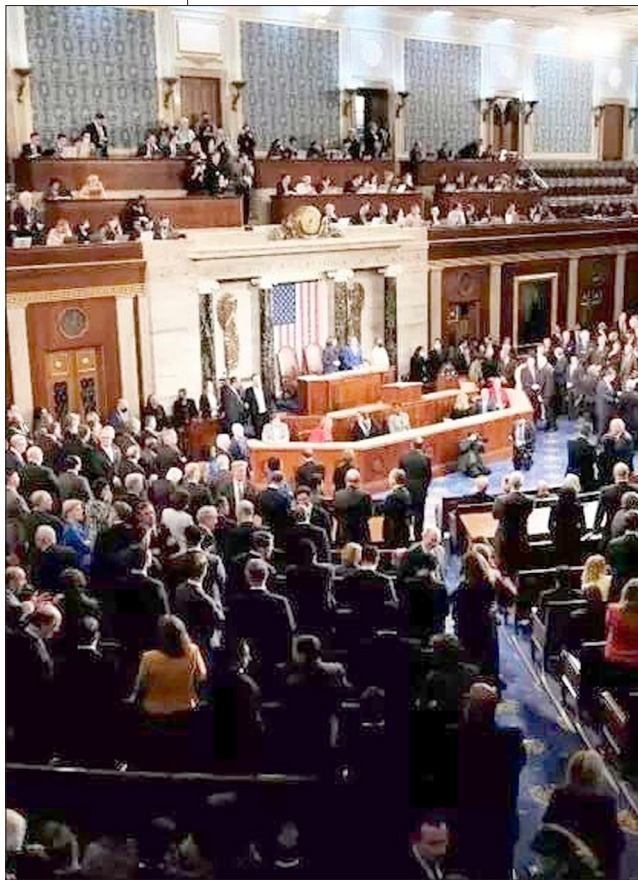
این پرسش‌ها عملاً روایتی را هدف قرار داد که دولت آمریکا از تابستان گذشته تلاش کرده بود آن را به عنوان یک «موفقیت قطعی» تثبیت کند.

اما نکته مهم اینجاست که نباید این فضا را صرفاً نشانه شکاف واقعی در ساختار قدرت آمریکا دانست. بخش مهمی از این

تشنه‌های علنی، کارکرد بیرونی دارد. کنگره و سنا با ایجاد فشار رسانه‌ای و بازخواست‌های پرسروصدا، در عمل این پیام را به طرف ایرانی منتقل می‌کنند که دولت آمریکا برای هرگونه توافق احتمالی، با محدودیت‌های داخلی جدی مواجه است و بنابراین، برای عبور از این موانع نیازمند گرفتن امتیازات بیشتر از ایران خواهد بود. به بیان دیگر، حتی دعوای داخلی واشنگتن نیز در نهایت در خدمت تقویت موقعیت چانه‌زنی آمریکا قرار می‌گیرد.

این دقیقاً همان نقطه‌ای است که مقایسه وضعیت فعلی آمریکا با شرایط مجلس ایران را معنادار می‌کند. در حالی که طرف آمریکایی از ظرفیت کنگره به عنوان اهرم فشار سیاسی و رسانه‌ای استفاده می‌کند، مجلس شورای اسلامی عملاً هفته‌هاست در وضعیت تعلیق قرار گرفته است. جلسات علنی تشکیل نمی‌شود و حتی برخی نشست‌های مجازی نیز با مشکلات فنی و غیبت نمایندگان همراه بوده است.

این وضعیت در شرایطی رخ می‌دهد که کشور با یکی از پیچیده‌ترین دوره‌های امنیتی و دیپلماتیک خود مواجه است؛ از تحولات خلیج فارس و پرونده تنگه هرمز گرفته تا روند مذاکرات و تنش‌های منطقه‌ای. با این حال، مجلس نه در فضای رسانه‌ای نقش فعالی ایفا می‌کند و نه به عنوان یک پشتوانه سیاسی برای تیم دیپلماسی کشور ظاهر شده است. نکته عجیب‌تر آنکه برخی نمایندگان نیز صراحتاً از بی‌اطلاعی خود نسبت به



تحولات سریع و لحظه‌ای کشور و منطقه سخن می‌گویند؛ مسئله‌ای که آشکارا با تعبیر امام خمینی (ره) درباره «مجلس در رأس امور است» در تضاد قرار می‌گیرد. در این میان، نکته قابل توجه‌تر، برخورد با محدودیت‌های نمایندگان است که نسبت به این وضعیت اعتراض می‌کنند. برخی نمایندگان که خواستار بازگشت مجلس به مدار فعالیت عادی و ایفای نقش مؤثرتر در مسائل کلان کشور شده‌اند، نه تنها مورد حمایت قرار نگرفتند، بلکه با حملات رسانه‌ای و تخطئه از سوی برخی جریان‌های خاص و رسانه‌های همسو با دولت و رییس مجلس مواجه شدند؛ گویی مطالبه فعال بودن مجلس در یکی از حساس‌ترین مقاطع سیاسی - امنیتی کشور و حفظ شأنیت این نهاد، به گناهی نابخشودنی تبدیل شده است.

مسئله صرفاً تفاوت میان دو پارلمان نیست؛ بلکه تفاوت میان دو نوع مواجهه با میدان مذاکره و معادله قدرت است. در آمریکا، حتی بازخواست‌ها، اختلافات و جنجال‌های رسانه‌ای نیز در نهایت به ابزار تقویت موقعیت مذاکره‌کننده تبدیل می‌شود؛ اما در ایران، مجلسی که می‌تواند بخشی از پشتوانه سیاسی کشور در معادلات خارجی باشد، عملاً از متن تحولات کنار رفته و شأنیت خود را از دست داده است. همین تفاوت، خود به‌تنهایی حامل پیامی روشن درباره میزان آمادگی، انسجام و نحوه استفاده و طرف از ظرفیت‌های سیاسی داخلی در فضای مذاکراتی است.

یادداشت

ارزیابی توافق برای ما متکی به رفتار دشمن نیست

وحید یامین پور
فعال سیاسی و فرهنگی

روشن است که جیغ و فریاد صهیونیست‌ها و نژادها و تدریج‌های جمهوری خواه از توافق احتمالی از این بابت است که آنها فرصت طلایی پیش آمده برای از بین بردن جمهوری اسلامی را از دست رفته می‌دانند. از نگاه آنها این توافق به معنای شکست ناپذیر بودن جمهوری اسلامی خواهد بود ضمن اینکه از نظر آنها اجتماع شرایطی اینچنینی برای حل همیشگی معضلی به نام جمهوری اسلامی در آینده بسیار بعید است. به همین دلیل در تلاشند پنجره‌ی از سرگیری جنگ را باز بگذارند... و تا وقتی ترامپ برمسند است، باز خواهد ماند.

بنابراین هرچند اطلاع از اظهارات کسانی چون گراهام یا دوبویتزو... برای درک ابعاد پیروزی جمهوری اسلامی در جنگ مفید است ولی واضح است که شاخصی برای ارزیابی مفاد توافق برای ما نیست. ارزیابی مفاد توافق برای ما متکی به خوشحالی یا ناراحتی دشمن نیست، ما مشروطی داریم که از طرف رهبر معظم انقلاب تعیین شده و ملت مبعوث هفته‌ها آنها را در خیابانها مطالبه کرده‌اند؛ اینها حافظ دستاوردهای همان «پیروزی قطعی در میدان» است.

ما تجربه‌ی تلخ برجرام را پشت سرمان داریم که هرکسی «دلواپس» توافق بود از سوی برخی رسانه‌های غربگرا ناجوانمردانه به همسویی با اسرائیل متهم می‌شد. روشن است ما و دشمن در دو چارچوب نظری و از دو زاویه متفاوت صحنه را می‌بینیم و حقوق و منافع مان را مطالبه می‌کنیم. همانطور که توقع این است مذاکره‌کنندگان امروز با تیم دیپلماتهای برجرامی مقایسه نشوند، رفتار مسئولان با مردم نگران هم مورد توقع است.

خبر کوتاه

سرلشکر عبداللہی: آماده پاسخ‌گویی سخت و جهنمی به هرگونه تجاوز هستیم

فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیاء ص گفت: به دشمنان هشدار می‌دهیم که برنامه‌ها و راهبردهای رهبرانقلاب برای مدیریت خلیج فارس و تنگه هرمز، آینده منطقه و نظم جدید منطقه‌ای و جهانی را در سایه راهبرد «ایران قوی» تضمین می‌کند، که بیگانگان هیچ جایگاهی در آن ندارند. وی افزود: نیروهای مسلح مقتدر کشورمان اجازه نخواهند داد تجربه‌های دردناک تاریخی تکرار شود و به‌اندازه اقتدار و سرفرازی جمهوری اسلامی ایران را بردشمن تحمیل خواهند کرد و آماده پاسخ‌گویی سخت و جهنمی به هرگونه تجاوز هستیم.

شعار اربعین ۱۴۰۵ «مثلی لا یبایع مثل یزید» شد

رئیس ستاد مرکزی اربعین حسینی اعلام کرد: شعار اربعین امسال مبتنی به کلام نورانی حضرت اباعبدالله (ع) و نایب امام زمان، قائد شهید انقلاب اسلامی در آخرین فرمایشاتشان در اجتماع بزرگ مردم استان آذربایجان شرقی، «مثلی لا یبایع مثل یزید» تعیین شد.

انتخابات هیات رئیسه مجلس حضوری برگزار می‌شود

علیرضا سلیمی، عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی گفت: انتخابات هیات رئیسه مجلس در اجلاس سه‌شنبه صورت حضوری برگزار می‌شود.

عدد خبر ۳۷
درصد از منطقه خاورمیانه در ماه آوریل گذشته با کاهش شدید مواجه شده است. این افت چشمگیر در حالی رقم خورده که جنگ در منطقه و آشفتگی بازارهای جهانی انرژی، معادلات تأمین سوخت را بر هم زده است. بر اساس داده‌های منتشرشده توسط (انجمن تجارت بین‌المللی) این کشور، واردات نفت خام کره جنوبی در ماه گذشته به حدود ۸.۴۶ میلیون تن رسیده که نسبت به مدت مشابه سال قبل (۱۰.۹۶ میلیون تن)، ۲۲.۸ درصد کاهش یافته است. طبق این داده‌ها، واردات نفت خام از خاورمیانه با ۳۷.۳ درصد کاهش، به حدود ۴.۴۹ میلیون تن رسیده است.

عدد خبر ۶
ماه هرمز، آغاز یک شوک ساختاری در نظام غذایی جهان است. (حدود یک سوم تجارت جهانی کدو اوره از این آبراه عبور می‌کند. قیمت اوره از ۴۵ دلار به بیش از ۶۰ دلار در هر تن رسیده و در استرالیا تا ۱۱۰ دلار افزایش یافته است. افزایش قیمت انرژی، بهای گندم و برنج را نیز بالا برده است. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند در ۱۲ ماه آینده قیمت نان در جهان ۳۵ تا ۴۵ درصد افزایش یابد. آثار این شوک طی ۶ تا ۱۲ ماه آینده ظاهر خواهد شد و یک خانواده ۴ نفره در اروپا برای خرید یک قرص نان باید به اندازه قیمت یک وعده غذا هزینه کند.

عدد خبر ۹۰
میلیارد دلار بر اساس داده‌های پورتال (درباب هزینه‌های جنگ برای این کشور به بیش از ۹۰ میلیارد دلار رسیده است. براساس گزارش همین مرکز که ادعا می‌کند اطلاعات خود را از کنگره و پنتاگون دریافت می‌کند، جنگ علیه ایران در هر روز برای آمریکا بیش از یک میلیارد دلار هزینه داشته است. همچنین در هر ساعت، آمریکا حدود ۴۲ میلیون دلار صرف تجاوز به ایران کرده است و این هزینه در هر ثانیه به بیش از ۱۱ هزار دلار می‌رسد. افزون بر این، هزینه شش روز ابتدایی جنگ علیه ایران، بیش از ۱۱ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

عدد خبر ۱۷
استان مطابق آمار و داده‌های سازمان هواشناسی، از ابتدای سال آبی جاری (ابتدای مهر ۱۴۰۵) تا ۲۴ خرداد امسال، میزان بارش‌ها در کشور نسبت به دوره بلندمدت ۳.۶ درصد افزایش یافته است. در بازه اشاره‌شده، ۲۲۴.۹ میلی‌متر بارش ثبت شده که ۷.۷ میلی‌متر بیشتر از دوره بلندمدت است. ۱۴ استان (هرمزگان، گلستان، کرمانشاه، کرمان، کردستان، زنجان، خوزستان، خراسان شمالی، خراسان رضوی، خراسان جنوبی، بوشهر، ایلام، آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی)، بارش‌ها مثبت بوده و در ۱۷ استان دیگر بارش‌ها منفی بوده است. در بین ۳۱ استان کشور، تهران با کاهش ۳۸.۲ درصدی در صدر قرار دارد. در استان‌های گلستان، گیلان و مازندران نیز به ترتیب رشد ۳.۶ درصدی، رشد منفی ۲۵.۱ درصدی و کاهش ۱۳.۲ درصدی ثبت شده است.

نوبنیاد گزارش می‌دهد؛

درس عبرت جنگ و یادآوری نقش حیاتی کریدورها

در جهان امروز، کشورها برای ارتقای جایگاه اقتصادی خود به دنبال دستیابی به مزیت‌های اقتصادی هستند. مزیت‌های اقتصادی، امتیازهای ویژه‌ای است که یک کشور را در یک موضوع مشخص از دیگر کشورها متمایز می‌کند. فناوری، موقعیت جغرافیایی و نیروی کار حرفه‌ای و ارزان، برخی از مهم‌ترین مصادیق مزیت اقتصادی به شمار می‌روند. کشورها تلاش می‌کنند با استفاده حداکثری از هر یک از این مزیت‌ها، به رشد اقتصادی بالاتر رسیده و جایگاه خود را در عرصه اقتصادی و به تبع آن در عرصه سیاسی تقویت کنند. با مرور این مزیت‌ها می‌توان دریافت که ایران بسیاری از مزیت‌های لازم برای رسیدن به توسعه اقتصادی را در اختیار دارد. یکی از مهم‌ترین مزایای ایران، موقعیت جغرافیایی آن است. ایران از معدود کشورهای جهان است که با ۱۵ کشور هم‌مرز است. ایران همچنین در حد فاصل بین دو قاره آسیا و اروپا قرار گرفته و پل ارتباطی مهمی برای اتصال شمال و جنوب و شرق و غرب جهان است.



کشور متوقف شده‌اند و روند واردات کالاها می‌مورد نیاز کشور کند شده است. وی همچنین اعلام کرد که مرز بازرگان با محدودیت طرف ترکیه‌ای، تعدد سازمان‌های مستقر در مرز و نبود هماهنگی میان دستگاه‌های مرتبط مواجه است و با ادامه این رویه، هزینه خواب کالا و راننده در مرز به قیمت نهایی اضافه می‌شود؛ به طوری که توقف همین کامیون‌ها، ماهانه ۳۰ میلیون دلار برای کشور هزینه دارد.

آماده نشدن بخش شمالی کشور در پروژه کریدور شمال-جنوب، مصادیق مهم دیگری هم دارد. بندر امیرآباد با وسعت ۱۳۰۰ هکتار، ۱۵ پست اسکله و ظرفیت ۱۰ میلیون تنی، بزرگ‌ترین بندر حاشیه جنوبی خزر است. اتصال به شبکه ریلی سراسری و وجود سیلوهای غلات و کارخانه‌های فولاد و کاغذ، آن را به یکی از بنادر نسل سوم کشور تبدیل کرده است. اما نبود اسکله رور، عملاً کریدور شمال-جنوب را به مسیرهای جایگزین وابسته کرده است.

سید مرتضی ناصریان، کارشناس حمل و نقل، در گفت‌وگو با فارس عنوان کرده بود که حدود ۲۰ سال پیش ساخت این اسکله آغاز شد، اما به دلایل نامشخص متوقف ماند. اگر امروز این اسکله فعال بود، وابستگی کشور به مسیر جمهوری آذربایجان کاهش می‌یافت و در مواقع بحرانی مثل جنگ یا تحریم، یک شاهراه مستقل با شریک راهبردی خود، یعنی روسیه، وجود داشت. کریدور شمال-جنوب اما تنها یک محور از مسیرهای مواصلاتی گره‌گشا برای اقتصاد ایران است. راه‌اندازی و گسترش کریدورهای شرقی-غربی هم می‌تواند به همین اندازه دستاوردهای

فرصت‌سوزی‌های مختلفی به دلیل غفلت از راه‌اندازی کریدور شمال-جنوب متوجه ایران شده است. آخرین مورد آن، آسیب دیدن کشور از محاصره دریایی آمریکا در جریان جنگ رمضان است. آمریکا با آگاهی از وابستگی بالای ایران به تأمین کالاهای خود از بنادر جنوب، اقدام به محاصره دریایی و محدود کردن جریان تجاری نفتی و غیرنفتی ایران از جنوب کشور کرد. این اقدام باعث تهدید تجارت و اقتصاد ایران شد. راه‌اندازی کریدور شمال-جنوب می‌توانست آسیب ناشی از محاصره دریایی را به مراتب کمتر کرده و حتی آمریکا را از این اقدام، به دلیل دستاوردهای ناچیز آن، منصرف کند. تجربه محاصره دریایی آمریکا در جریان جنگ اخیر، البته تنها رویدادی نبود که اهمیت و لزوم راه‌اندازی هرچه سریع‌تر کریدور شمال-جنوب برای ایران را گوشزد کرد. با آغاز جنگ روسیه و اوکراین، کشورهای غربی برای مقابله با روسیه اقدام به تحریم این کشور کردند. این تحریم باعث شد بازار روسیه بیش از هر زمان دیگری در دسترس ایران قرار گیرد. با این حال، به دلیل نبود یک کریدور ترانزیتی پر ظرفیت، ایران نتوانست بهره‌ خاصی از این فرصت ببرد. در مقابل، اما ترکیه بیشترین بهره را از جنگ اقتصادی میان روسیه و غرب برد و بازار مصرف روسیه را به میزان قابل توجهی در اختیار گرفت و کالاهای تولیدی خود را در این بازار بزرگ به فروش رساند.

اقدام به محاصره دریایی و محدود کردن جریان تجاری نفتی و غیرنفتی ایران از جنوب کشور کرد. این اقدام باعث تهدید تجارت و اقتصاد ایران شد. راه‌اندازی کریدور شمال-جنوب می‌توانست آسیب ناشی از محاصره دریایی را به مراتب کمتر کرده و حتی آمریکا را از این اقدام، به دلیل دستاوردهای ناچیز آن، منصرف کند. تجربه محاصره دریایی آمریکا در جریان جنگ اخیر، البته تنها رویدادی نبود که اهمیت و لزوم راه‌اندازی هرچه سریع‌تر کریدور شمال-جنوب برای ایران را گوشزد کرد. با آغاز جنگ روسیه و اوکراین، کشورهای غربی برای مقابله با روسیه اقدام به تحریم این کشور کردند. این تحریم باعث شد بازار روسیه بیش از هر زمان دیگری در دسترس ایران قرار گیرد. با این حال، به دلیل نبود یک کریدور ترانزیتی پر ظرفیت، ایران نتوانست بهره خاصی از این فرصت ببرد. در مقابل، اما ترکیه بیشترین بهره را از جنگ اقتصادی میان روسیه و غرب برد و بازار مصرف روسیه را به میزان قابل توجهی در اختیار گرفت و کالاهای تولیدی خود را در این بازار بزرگ به فروش رساند.

خسارت ۳۰ میلیون دلاری

به‌تازگی خبری به نقل از رئیس اتاق بازرگانی تبریز مبنی بر خسارت ده‌ها میلیون دلاری کشور به دلیل معطل ماندن هزاران کامیون در مرزهای شمال غرب منتشر شد. یونس ژائله عنوان کرده که در مرز بازرگان، ۱۰ هزار کامیون ایرانی منتظر ورود هستند. طبق اطلاعات میدانی، این راننده‌ها حدود ۳ هفته است که در مهم‌ترین مرز وارداتی

دسترسی به آب‌های آزاد از دیگر مزیت‌های موقعیت جغرافیایی ایران است. تسلط کامل بر تنگه راهبردی هرمز نیز از دیگر ویژگی‌های موقعیت جغرافیایی ایران است. این موارد و برخی دیگر باعث شده ایران از منظر موقعیت جغرافیایی، یکی از کشورهای مهم در جغرافیای جهان محسوب شود. این موقعیت جغرافیایی می‌تواند دستاوردهای اقتصادی مهمی را برای کشور به همراه داشته باشد. یکی از مهم‌ترین کاربردهای قرار گرفتن یک کشور در موقعیت جغرافیایی ویژه، توسعه کریدورهای مهم ترانزیتی است. در یک تعریف ساده، کریدورها مسیرهای حمل کالا تعریف می‌شوند. این البته ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین تعریف از کریدورهاست؛ چرا که نقش کریدورها تنها به حمل کالا محدود نمی‌شود. توسعه زیرساخت‌ها، جذب سرمایه خارجی، رشد اقتصادی بالاتر و ارتقای جایگاه سیاسی، خصوصاً از طریق وابسته کردن منافع دیگر کشورها، برخی از مهم‌ترین نتایج توسعه کریدورهای بین‌المللی در یک کشور است. از همین روست که بسیاری از کشورها در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند تا نقش پررنگ‌تری در کریدورهای جدید بین‌المللی ایفا کنند.

ایران با داشتن موقعیت جغرافیایی استراتژیک خود، اما نتوانسته استفاده کافی از این امتیاز ویژه را ببرد. یکی از مهم‌ترین شواهد غفلت از این موضوع، معطل ماندن کریدور شمال-جنوب است. آسیب‌ها و نیمه‌تمام مانده است.

حمید کمار
روزنامه‌نگار

یک وعده ۲۰ ساله

در برابر تهدید محاصره دریایی در تنگه هرمز، ایران با احیای کریدور ۷۲۰۰ کیلومتری شمال-جنوب و بهره‌گیری از ظرفیت ۳۰ میلیون تنی بنادر خزر، به دنبال جایگزین‌سازی مسیرهای تأمین کالا است؛ ظرفیتی که معادل کل واردات کالای اساسی کشور در سال ۱۴۰۴ برآورد می‌شود. این در حالی است که ایران سال گذشته ۴۲ میلیون تن کالا وارد کرده که ۷۰ درصد آن کالاهای اساسی بوده است. بندر امیرآباد می‌توانست با تکمیل اسکله (رور) زمان ترانزیت را تا ۵۰ درصد کاهش دهد و وابستگی به مسیر جمهوری آذربایجان را کم کند؛ پروژه‌ای که با وجود وعده اختصاص ۷ هزار میلیارد ریالی، ۲۰ سال است نیمه‌تمام مانده است.

تالار شیشه‌ای

شاخص بورس به کانال ۳۰.۹ میلیون واحد صعود کرد

بازار سهام همچنان سبزپوش است و شاخص کل بورس تهران روز گذشته (یکشنبه، ۳ خرداد ۱۴۰۵) با افزایش بیش از ۲ درصدی به کانال ۳۰.۹ میلیون واحدی صعود کرد. هرچند بخشی از نمادهای بزرگ و شاخص ساز که از جنگ ایران با آمریکا و اسرائیل آسیب دیده‌اند، متوقف هستند، اما بورس در چهارمین روز بازگشایی، به طور کامل سبز رنگ بود. شاخص کل بورس تهران در معاملات دومین روز هفته با افزایش ۷۸ هزار واحدی (۲.۰۴ درصد) به سطح ۳ میلیون و ۹۰۹ هزار و ۷۹۱ واحد رسید. شاخص هم‌وزن با رشد ۳.۳ درصدی (۳۲ هزار و ۸۳۲ واحد)، در ارتفاع یک میلیون و ۳۲ هزار و ۱۵۸ واحد قرار گرفت. رشد بیشتر شاخص هم‌وزن نسبت به شاخص کل به دلیل بازگشایی برخی از نمادها بدون دامنه نوسان و بارش‌های ۲۰، ۳۰، ۴۰ و حتی ۵۰ درصدی است. شاخص کل فرابورس نیز با افزایش ۴ درصدی به سطح ۳۰ هزار و ۳۵۱ واحد رسید. ارزش کل معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی به ۱۰ هزار و ۲۵۸ میلیارد تومان رسید و مجموع ارزش معاملات بازارهای بورس و فرابورس به محدوده ۱۸۶ هزار میلیارد تومان رسید. ارزش کل بازارهای سهام ایران، شامل بورس، بازار پایه و فرابورس نیز در محدوده ۱۳ هزار و ۶۳۴ هزار میلیارد تومان قرار گرفت. آمار معاملات دیروز نشان می‌دهد نقدینگی همچنان با قدرت در حال ورود به بازار سهام است. در پایان معاملات روز یکشنبه، ۵۴۵۱ میلیارد تومان پول حقیقی وارد چرخه سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی شد و بیشترین خروج پول از صندوق‌های درآمد ثابت شد. صندوق‌های درآمد ثابت با خروج ۳۴۷۱ میلیارد تومان پول حقیقی مواجه شدند. معاملات روز گذشته در حالی به پایان رسید که بازار سهام یکی از مثبت‌ترین روزهای تاریخ خود را تجربه کرد و تقریباً تمام نمادهای قابل معامله در محدوده مثبت و صف خرید قرار گرفتند؛ در مجموع ۹۹ درصد بازار، یعنی حدود ۷۵۰ نماد، در محدوده مثبت و فقط ۴ نماد در محدوده منفی و صف‌تابلو معامله شدند. این شرایط نشان می‌دهد بازار سهام پس از بازگشایی دوباره، وارد فاز جدیدی از خوش‌بینی و افزایش ریسک‌پذیری شده است. سرانه خرید حقیقی‌ها دیروز به ۱۳۳.۷ میلیون تومان رسید، در حالی که سرانه فروش حقیقی‌ها به عدد بسیار بالای ۲.۱۸ برسد. این معامله‌گران حقیقی بیش از دو برابر میانگین فروش آن‌ها بوده و تقاضا برتری بسیار محسوسی نسبت به عرضه داشته است.

عضو کمیسیون کشاورزی در گفت‌وگو با «نوبنیاد» مطرح کرد؛

آشفته‌گی مدیریتی پشت‌گرانی مرغ

دبیر کمیسیون کشاورزی مجلس با انتقاد از جهش قیمت گوشت مرغ، ریشه این نوسان شدید را در ناکارآمدی مدیریتی و حذف شتاب‌زده ارز ترجیحی دانست. وی با اشاره به آسیب جدی به روند جوجه‌ریزی و سرمایه

در گردش تولیدکنندگان، تأکید کرد که سوءمدیریت در تنظیم بازار باعث شده تا قیمت‌ها فراتر از واقعیت‌ها پیش برود و طبیعتاً به امنیت غذایی خانوارها آسیب وارد می‌شود.



نیما سهیلی

روزنامه‌نگار

می‌شد، قیمت تمام‌شده گوشت مرغ باید حدود ۳۴۰ تا ۳۵۰ هزار تومان می‌شد، اما اکنون متأسفانه قیمت به نزدیک ۵۰۰ هزار تومان رسیده است. دلیل این اختلاف قیمتی، که بیش از آن چیزی است که بر اساس ارز جدید باید اتفاق می‌افتاد، حاصل سوءمدیریت‌هایی است که رخ داده است. همین عدم تأمین به‌موقع نقدینگی باعث شد روند جوجه‌ریزی دچار آسیب و اختلال شود. این موضوع اثر خود را در میزان تولید گذاشت. وقتی بازار با کمبود مواجه شود، افزایش ناگهانی قیمت را شاهد خواهیم بود. این‌ها قطعاً مسائل مدیریتی است که متأسفانه تصمیم‌گیران به‌موقع درباره آن تصمیم نگرفتند؛ چه آنجا که باید سرمایه در گردش واحدهای تولیدی را تأمین می‌کردند و چه آنجا که باید باروش‌های مختلف حمایتی، روند تولید و میزان جوجه‌ریزی را در ماه‌های گذشته مدیریت می‌کردند؛ اما این موضوعات رخ نداد. ما در بهمن و اسفند سال گذشته مازاد تولید گوشت مرغ داشتیم. دولت می‌توانست این مازاد را به‌صورت حمایتی خریداری کند. این خریده‌ها به‌موقع وارد بازار نشد و نتوانست نقش تنظیم بازار را ایفا کند. این‌ها از جمله بحث‌های جدی ما بود که در جلسه شنبه هفته جاری کمیسیون کشاورزی مجلس با غلامرضا نوری قزله‌جی، وزیر جهاد کشاورزی، و معاونان او به‌صورت شفاف مطرح شد. متأسفانه اقدامات مدیریتی باید خیلی زودتر از این انجام می‌گرفت.

نوبنیاد: در همین شرایط شاهد تغییرات مدیریتی در وزارت جهاد کشاورزی هم بودیم. علت چه بود؟

بله، ما در همین حین «جنگ»، تغییرات جدی مدیریتی در وزارت جهاد کشاورزی داشتیم و خیلی برای ما توجیه نشد که دلیل این تغییرات در شرایط جنگی چه بوده است. افرادی هم که به این سمت‌ها منصوب شدند، برنامه متفاوت و مشخصی ارائه نکردند. در معاونت بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی، متأسفانه طی دو سال گذشته چهار معاون وزیر تغییر کرده‌اند؛ در حالی که یکی از معاونت‌های بسیار مهم وزارتخانه است. در معاونت امور دام نیز، که هم بحث دام و هم زیرمجموعه‌های آن را شامل می‌شود، تغییرات متعددی صورت گرفته است. ما خیلی در جزئیات انتصابات وزارتخانه ورود نمی‌کنیم، اما اینکه مدیران جدید با چه برنامه‌ای متفاوت از مدیران

گذشته منصوب شده‌اند، جای سؤال دارد که پاسخ شفافی هم دریافت نکردیم.

نوبنیاد: قیمت مرغ کاهش خواهد یافت؟

امیدواریم با برنامه‌هایی که ارائه شده، طی ۱۰ روز آینده قیمت مرغ به حالت قبلی خود بازگردد و دوباره در حدود ۳۵۰ هزار تومان در بازار عرضه شود. چون میزان جوجه‌ریزی در ماه گذشته افزایش خوبی داشته و اگر در ماه جاری هم این روند ادامه پیدا کند، معمولاً حدود ۴۵ روز بعد اثر خود را در بازار نشان می‌دهد و میزان تولید به روال سابق بازمی‌گردد. امیدواریم با قولی که مسئولان داده‌اند، در اواخر خردادماه دوباره کاهش قیمت را شاهد باشیم و به یک تعادل قیمتی برسیم و این ثبات ادامه پیدا کند.

نوبنیاد: با این حال، افزایش قیمت مرغ فشار زیادی به معیشت خانوار وارد کرده است؛ به خصوص اینکه بسیاری از مردم بعد از گرانی گوشت قرمز به سمت مصرف مرغ رفته بودند.

درست است. قیمت گوشت قرمز افزایش شدیدی پیدا کرده و بسیاری از خانوارها عملاً گوشت قرمز را کنار گذاشته‌اند و گوشت مرغ به‌عنوان پروتئین ارزان‌تر جایگزین شده بود، اما وقتی قیمت مرغ گران شده، طبیعتاً به امنیت غذایی خانوارها آسیب وارد می‌شود. البته واقعیت این است که ما در بلندمدت باید دوباره گوشت قرمز را جایگزین گوشت سفید کنیم؛ زیرا هم از نظر کیفیت، هم ذائقه ایرانی و هم از نظر سلامت، اولویت با گوشت قرمز است و از طرف دیگر هیچ وابستگی ارزی هم ندارد. کشور ما ظرفیت بسیار خوبی در تولید دام سبک دارد؛ هم مراتع گسترده‌ای در کشور وجود دارد و هم دامداران روستایی و عشایری فراوانی در کشور فعال هستند، اما متأسفانه طی دو دهه گذشته هیچ کار جدی در این حوزه انجام نشده است. بهره‌وری تولید دام سبک در کشور ما پایین است، در حالی که راه‌حل‌های مشخصی برای آن وجود دارد. می‌توانیم بهره‌وری را بیش از دو تا سه برابر افزایش دهیم؛ یعنی با همین دام موجود، بین دو تا سه برابر امکان تولید گوشت قرمز داشته باشیم، اگر وزارت جهاد کشاورزی این اقدامات را انجام دهد.

حوزه دام سبک هیچ وابستگی ارزی هم ندارد و می‌توانیم به همان الگوی سنتی تغذیه ایرانی بازگردیم و گوشت باکیفیت‌تر و ارزان‌تری را بدون وابستگی خارجی برای کشور تأمین کنیم؛ البته این موضوع نیازمند برنامه‌ریزی جدی است.

بی‌ثباتی مدیریتی در وزارت جهاد کشاورزی

حامد یزدیان، عضو کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس، متأسفانه مدیریت وزارتخانه، علی‌رغم اینکه شخص وزیر فرد مسلط به موضوع هستند و

شخصیت سالمی دارند، اما مجموعه همراه و کارشناسی لازم را ندارد و ضعف مدیریت در وزارت جهاد کشاورزی موج می‌زند. حجم بالای تغییرات در وزارتخانه نشان‌دهنده عدم مدیریت صحیح است. مجلس شورای

اسلامی نیز پیش از شرایط جنگی، به‌صورت جدی بحث استیضاح وزیر جهاد کشاورزی را پیگیری می‌کرد و معتقد بود باید درباره مدیریت این وزارتخانه تصمیم جدی گرفته شود؛ بنابراین احتمال

اینکه استیضاح دوباره در دستور کار قرار بگیرد وجود دارد و نمایندگان هم این موضوع را دنبال می‌کنند. قالب نمایندگانی که استیضاح را پیگیری می‌کنند، قابل توجه است.

گزارش کوتاه

تأخیر ۴۵ روزه در پرداخت مطالبات گندم‌کاران

کشاورزان بیش از ۴۵ روز است که گندم خود را به دولت تحویل داده‌اند، اما تا امروز هیچ پولی دریافت نکرده‌اند. آنها از عدم دریافت مطالبات خود گلایه دارند، اما دولت می‌گوید منتظر جلسه هماهنگی بین وزارت جهاد کشاورزی و سازمان برنامه و بودجه است. حسن نوروزی، مدیرعامل سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها، در پاسخ به این پرسش که چرا پول گندم‌کاران پرداخت نشده است، گفت: پرداخت مطالبات در انتظار هماهنگی بین وزارت جهاد کشاورزی و سازمان برنامه و بودجه است که به‌زودی انجام و ابلاغ خواهد شد. جلسه مشترک تعیین تکلیف مطالبات گندم‌کاران با حضور رئیس جمهور، مسئولان سازمان برنامه و بودجه و وزیر جهاد کشاورزی، پنجشنبه هفته گذشته برای بررسی نحوه پرداخت مطالبات گندم‌کارانی برگزار شد. مجید آنجفی، معاون امور زراعت و وزیر جهاد کشاورزی، نیز اعلام کرد: سازمان برنامه و بودجه کشور در این جلسه مکلف و متعهد شده پول گندم‌کاران را که دو ماه با تأخیر مواجه شده، تا اواسط هفته جاری پرداخت کند.

عطا... هاشمی، رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران، در گفت‌وگو با «نوبنیاد»، درباره وضعیت خرید تضمینی گندم و تأخیر در پرداخت مطالبات کشاورزان گفت: با گذشت نزدیک به یک ماه و نیم از آغاز برداشت گندم، کشاورزان محصول خود را به دولت تحویل داده‌اند، اما متأسفانه پرداخت مطالبات آنها با تأخیر مواجه شده است. وی افزود: وضعیت تولید گندم امسال بسیار مطلوب است و پیش‌بینی می‌کنیم حداقل ۱۴ میلیون تن تولید داشته باشیم. همچنین امکان خرید ۱۲ میلیون تن گندم وجود دارد که این میزان می‌تواند کشور را از واردات بی‌نیاز کند؛ یعنی در حوزه گندم‌آرد و نان، هیچ نیازی به واردات حتی یک کیلو گندم نخواهیم داشت.

دبیرانجمن گندم‌کاران ادامه داد: در قانون بودجه امسال ۵۰۴ هزار میلیارد تومان اعتبار پیش‌بینی شده، اما متأسفانه مشکل اینجاست که شفاف‌سازی لازم صورت نگرفته است. این اعتبار فقط مختص خرید تضمینی گندم نیست و به تمام بخش‌های اعتباری وزارت جهاد کشاورزی از جمله خرید گندم، یارانه کود، یارانه سایر نهاده‌ها و دیگر هزینه‌ها را نیز شامل می‌شود. در نتیجه، چون منابع تفکیک نشده‌اند، اکنون در پرداخت مطالبات گندم‌کاران مشکل ایجاد شده است. هاشمی تصریح کرد: البته پرداخت پول گندم‌کاران قابل پرداخت است و امیدواریم وزارت جهاد کشاورزی، سازمان برنامه و بودجه و مجلس با همکاری یکدیگر هرچه سریع‌تر شفاف‌سازی لازم را انجام دهند تا پرداخت پول گندم‌کاران صورت بگیرد. در روند خرید گندم، با توجه به وضعیت بسیار خوب تولید، خللی ایجاد نشود؛ چرا که ما در حال تأمین امنیت غذایی و امنیت ملی کشور هستیم. رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران تأکید کرد: تاکنون تقریباً هیچ پولی به گندم‌کاران پرداخت نشده در حالی که یک میلیون ۸۰۰ هزار تن گندم خریداری شده که ارزش آن به ۹۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد.

وی بیان کرد: اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، بخشی از گندم ممکن است به جای مصرف انسانی، در مسیره‌های دیگری مانند خوراک دام مصرف شود و در نهایت مجبور شویم برای تأمین گندم، ارز صرف واردات کنیم؛ در حالی که امسال ظرفیت خودکفایی کامل وجود دارد. هاشمی تصریح کرد: امسال در بسیاری از ایالت‌ها و مناطق گندم خیز آمریکا خشکسالی حاکم است و پیش‌بینی می‌شود تولید گندم این کشور بین ۲۰ تا ۲۵ درصد کاهش یابد. این مسئله می‌تواند قیمت جهانی گندم را بین ۶۰ تا ۹۰ دلار در هرتن افزایش دهد. رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران تأکید کرد: خوشبختانه امسال نیازی به واردات نداریم و اگر بتوانیم به‌موقع از کشاورزان حمایت و مطالبات آنها را پرداخت کنیم، حتی به واردات یک کیلو گندم هم احتیاج نخواهیم داشت. در حالی که واردات گندم در سال جاری با توجه به شرایط جهانی، با قیمت‌های بسیار بالا و مشکلات متعدد همراه خواهد بود.

بین الملل

واکنش کاخ سفید به توثیت پمپئو درباره توافق با ایران: دهان گشادت را ببند!

مایک پمپئو، وزیر خارجه دور نخست ریاست جمهوری ترامپ در واکنش به گزارش‌ها درباره احتمال توافق جدید میان واشنگتن و تهران، با انتقاد تند از رویکرد دولت آمریکا اعلام کرد: «توافقی که درباره ایران مطرح شده، دقیقاً شبیه نسخه وندی شرمن، رابرت مالی و بن رودز است.»

پمپئو با تأکید بر اینکه این رویکرد «هیچ ارتباطی با شعار آمریکا اول ندارد»، خواستار اتخاذ سیاستی سخت‌گیرانه‌تر علیه جمهوری اسلامی شد و افزود: «تنگه را فوراً باز کنید، دسترسی ایران به منابع مالی را قطع کنید.»

وزیر خارجه پیشین آمریکا در پایان اظهارات خود تأکید کرد: «این اقدام مدت‌هاست که باید انجام می‌شد؛ وقت حرکت فرا رسیده است.»

مدیر ارتباطات کاخ سفید در واکنش به اظهارات مایک پمپئو درباره توافق احتمالی با ایران گفت: «پمپئو اصلاً نمی‌داند درباره چه چیزی حرف می‌زند. او باید دهان گشادش را ببندد و کار واقعی را به متخصصان بسپارد.»



این تبادل تند لفظی در حالی رخ می‌دهد که گمانه‌زنی‌ها درباره تلاش دولت آمریکا برای دستیابی به توافقی تازه با تهران افزایش یافته و اختلافات درون جریان جمهوری خواه بر سر نحوه مواجهه با ایران بار دیگر آشکار شده است.

یادداشت

تلافی مسکو در پایتخت اوکراین

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

در ادامه تشدید درگیری‌های نظامی میان روسیه و اوکراین، با مداد روز یکشنبه پایتخت اوکراین شاهد یکی از سنگین‌ترین موج‌های حملات موشکی و پهپادی ماه‌های اخیر بود؛ حمله‌ای که خسارات گسترده‌ای به شهرها مختلف به خصوص کی‌یف وارد کرد.

بر اساس گزارش منابع رسمی اوکراینی، شهر کی‌یف و مناطق اطراف آن هدف موجی هماهنگ از حملات هوایی قرار گرفتند که در جریان آن ده‌ها نقطه در سطح شهر آسیب دید. شهردار کی‌یف، اعلام کرد تنها در پایتخت دو نفر جان باخته و ۵۶ نفر دیگر زخمی شده‌اند که وضعیت ۳۰ نفر از آنان وخیم گزارش شده است. به گفته وی، نیروهای امدادی همچنان در حال آواربرداری، اطفای حریق و انتقال مجروحان به مراکز درمانی هستند. در ساعات اولیه حمله، صدای چندین انفجار مهیب در مناطق مختلف کی‌یف به گوش رسید و نیروهای پدافند هوایی اوکراین از احتمال استفاده از موشک‌های بالستیک و پهپاد های انبوه خبر دادند. برخی منابع نظامی اوکراینی همچنین مدعی شدند احتمال شلیک موشک‌های پیشرفته با قابلیت‌های ویژه از سوی روسیه وجود داشته است.

گزارش‌ها حاکی است که پس از آغاز حملات، بخش قابل توجهی از شهروندان کی‌یف به پناهگاه‌های زیرزمینی و ایستگاه‌های مترو پناه بردند. شاهدان عینی از «شب وحشتناک» و تداوم صدای انفجارها برای ساعت‌ها خبر داده‌اند. یکی از ساکنان در گفت‌وگو با رسانه‌ها تأکید کرده است که مردم در شرایط اضطراری و در تاریکی شب، ناچار به ترک منازل خود شدند.

در جریان این حملات، خساراتی نیز به ساختمان‌های مسکونی، مراکز تجاری، انبارها و برخی تأسیسات شهری وارد شده است. منابع محلی از تخریب بخشی از یک ساختمان پنج طبقه و آسیب به بخش‌هایی از زیرساخت حمل و نقل شهری خبر داده‌اند. گزارش‌های تکمیلی همچنین از آسیب دیدگی بیش از ۴۰ نقطه در سطح شهر حکایت دارد.

همزمان با این تحولات، در سایر مناطق اوکراین نیز حملاتی گزارش شده و مقام‌های محلی از کشته و زخمی شدن چندین نفر دیگر خبر داده‌اند. در همین حال، برخی کشورهای همسایه از جمله لهستان نیز به صورت پیشگیرانه سامانه‌های دفاع هوایی و جنگنده‌های خود را به حالت آماده‌باش درآوردند، هر چند نقض حریم هوایی این کشور تأیید نشده است.

در سطح سیاسی، این حمله در شرایطی صورت گرفت که تنش‌ها میان مسکو و کی‌یف پس از حملات پهپادی اخیر به مناطق تحت کنترل روسیه در شرق اوکراین افزایش یافته بود. روسیه این حملات را «اقدامات تروریستی» توصیف کرده و وعده پاسخ داده بود، در حالی که اوکراین اتهامات مطرح شده را رد کرده بود.

برخی تحلیلگران نظامی معتقدند چرخه حملات متقابل در روزهای اخیر وارد مرحله‌ای خطرناک‌تر شده و احتمال گسترش دامنه درگیری‌ها وجود دارد. همزمان، هشدارهای مقامات غربی درباره احتمال تشدید حملات موشکی روسیه به کی‌یف نیز پیش‌تر منتشر شده بود.

بدین ترتیب، حمله اخیر را می‌توان بخشی از روند روبه‌افزایش درگیری‌های مستقیم میان دو طرف دانست؛ روندی که همچنان بدون چشم‌انداز روشن برای کاهش تنش ادامه دارد.

GLOBAL

Trump's Endgame Is Surrender

He seems to hope to slip away without Americans noticing the magnitude of this defeat.

By Robert Kagan



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

ترامپ به دنبال نمایش پیروزی

مقاله آتلانتیک تصویری روشن از افول قدرت ایالات متحده در پرونده ایران ارائه می‌دهد. تصویری که از نگاه تحلیلگران مستقل، بیش از آنکه «تحلیل» باشد، اعترافی به بن‌بست سیاست‌های تهاجمی واشنگتن است.

در این گزارش، بیان می‌شود که دولت ترامپ در حال حرکت به سمت پایان جنگ علیه ایران است، جنگی که قرار بود قدرت ایران را از بین ببرد اما ایران در پرتو این جنگ اهرم قدرت جدیدی به نام تنگه هرمز را رونمایی کرد. اما آنچه نویسنده آتلانتیک «پایان جنگ» می‌نامد، در واقع چیزی جز عقب‌نشینی تدریجی و پذیرش واقعیت‌های جدید منطقه‌ای نیست؛ واقعیتی که در آن محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران ابتکار عمل را در دست گرفته‌اند و آمریکا ناچار به تنظیم

رفتار خود با شرایط تحمیلی منطقه شده است.

بر اساس همین گزارش، پس از درگیری‌های محدود و پرهزینه میان رژیم صهیونیستی و نیروهای منطقه‌ای، واشنگتن نتوانسته اهداف اعلامی خود را محقق کند و اکنون به دنبال توقف درگیری‌هاست.

آتلانتیک به نقل از منابع خود اذعان می‌کند که تهران نه تنها در برابر فشارها عقب‌نشینی نکرده، بلکه شروطنی قاطع‌تر از گذشته مطرح کرده است؛ شروطنی شامل جبران خسارات، عدم

محدودیت در غنی‌سازی و تثبیت نقش ایران در مسیرهای راهبردی انرژی منطقه.

نکته قابل توجه در این گزارش، پذیرش تلویحی تغییر موازنه قدرت در خلیج فارس است. طبق تحلیل مطرح شده، ایران در حال ایجاد یک سازوکار جدید برای مدیریت عبور و مرور انرژی در تنگه هرمز است. سازوکاری که به کشورها بر اساس روابط سیاسی شان امتیاز می‌دهد.

چنین روندی، در ادبیات غربی «نهاد» خوانده می‌شود، اما در واقع نشانه‌ای از تثبیت حاکمیت منطقه‌ای ایران بر یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان است. آتلانتیک همچنین عنوان می‌کند که کشورهای مختلف از جمله قدرت‌های آسیایی و برخی دولت‌های منطقه‌ای در حال مذاکره با تهران برای تضمین جریان انرژی هستند؛ امری که به معنای فروپاشی تدریجی سیاست‌های تحریمی غرب و حرکت جهان به سمت پذیرش نقش مرکزی ایران در معادلات انرژی است. در چنین شرایطی، ایالات متحده دیگر قادر به

آتلانتیک اشتباه واشنگتن درباره جنگ افروزی علیه ایران را تحلیل کرد

بازی دوسرباخت برای آمریکا

مقاله تازه نشریه آتلانتیک، از عقب‌نشینی تدریجی آمریکا در پرونده ایران پرده برمی‌دارد. عقب‌نشینی‌ای که بیش از هر چیز نشانه تغییر موازنه قدرت به نفع جمهوری اسلامی ایران و افول نقش هژمونیک ایالات متحده در منطقه است.

اعمال اراده یکجانبه خود نیست و متحدان سنتی آن نیز به سمت تنظیم روابط مستقل با تهران حرکت می‌کنند.

در بخش دیگری از این گزارش، به نگرانی رژیم صهیونیستی اشاره شده است. نویسنده اذعان دارد که دولت نخست وزیر جنایتکار صهیونیست با نگرانی شدید تحولات را دنبال می‌کند، زیرا تقویت موقعیت ایران به معنای تضعیف موقعیت امنیتی تل‌آویو در سطح منطقه است. حتی در این گزارش غربی نیز به صراحت آمده است که رژیم صهیونیستی در آینده بیش از گذشته در انزوا قرار خواهد گرفت و توان اثرگذاری آن بر معادلات منطقه کاهش می‌یابد.

نکته مهم‌تر آن است که مقاله آتلانتیک تلاش واشنگتن برای مدیریت افکار عمومی و پنهان کردن ابعاد شکست را نیز برجسته می‌کند، از جمله احتمال تغییر دستور کار رسانه‌ای و انتقال تمرکز از بحران ایران به موضوعات فرعی دیگر. حتی در برخی محافل موضوع حمله قریب الوقوع امریکا به کوبا مطرح شده است تا این شکست در مقابل ایران را از بین ببرد.

در جمع‌بندی این گزارش می‌توان گفت آنچه در قالب تحلیل غربی ارائه شده، در واقع تصویری از افول هژمونی آمریکا و تثبیت جایگاه جمهوری اسلامی ایران در معادلات راهبردی منطقه است. واشنگتن که روزگاری مدعی مدیریت کامل غرب آسیا بود، اکنون در موقعیتی قرار گرفته که ناچار به پذیرش شروط ایران شده است. روندی که نشان می‌دهد نظم جدید منطقه‌ای نه بر اساس اراده آمریکا، بلکه بر پایه واقعیت‌های قدرت در حال شکل‌گیری است. واقعیت‌هایی که ایران در مرکز آن قرار دارد و نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده انرژی و امنیت جهانی ایفا خواهد کرد.

تفاهمی که بیشتر بوی تنفس بازار بین المللی انرژی به نفع آمریکا می دهد تا پایان بحران

توافق در خدمت حمله

آنچه این روزها از «تفاهم موقت» میان تهران و واشنگتن روایت می شود، بیش از آنکه شبیه یک توافق پایدار باشد، به مسکنی فوری برای مهار بحران انرژی غرب شباهت دارد؛ توافقی که قرار

است هرگز با باز کند، نفت را به بازار برگرداند و شوک تابستانی اقتصاد جهانی را عقب بیندازد و سپس با خالی کردن دست ایران از اهرم فشار باری دیگر سایه جنگ را به کشور بازگرداند.



محسن فرهمند

روزنامه نگار

گزارش های منتشر شده و گمانه زنی های رسانه ای از جمله گزارش آکسیوس نشان می دهد واشنگتن و تهران به تفاهمی موقت نزدیک شده اند؛ تفاهمی که طبق ادعای منابع آمریکایی، شامل تمدید آتش بس برای ۶۰ روز، بازگشایی تنگه هرمز، توقف بخشی از محاصره بنادر ایران، امکان فروش نفت و آغاز مذاکرات هسته ای خواهد بود و البته هیچ نسبتی با شروط اعلامی رهبری معظم انقلاب در خصوص مذاکرات ندارد. اعلام حاکمیت ایرانی بر تنگه هرمز، گرامت جنگ، رفع همه تحریم ها، اخذ عوارض، تحویل پول های مسدود شده، خروج دشمن از منطقه، پذیرش غنی سازی، و ضمانت مد نظر ایران از جمله مواردی است که ایران به شدت باید بر آنها استوار باشد و اگر این موارد در توافق لحاظ نگردد یکبار دیگر خسارت محض به کشور تحمیل شده است.

با این حال نیز اگر تاکید بر این شروط بگذریم باز هم توافق مورد ادعای رسانه های غربی به شدت به ضرر ایران است. اگر تنگه هرمز باز شود و حدود ۱۵۰۰ کشتی باری، نفتکش و حمل کننده گاز مایع متوقف شده در خلیج فارس بار خود را روانه بازار جهانی کنند، شوک انرژی که قرار بود از ابتدای تابستان اقتصاد غرب را وارد مرحله خطرناک کند، چند ماه عقب خواهد افتاد؟ روشن است که ورود دوباره نفت خاورمیانه به بازار، قیمت بنزین و گاز را پایین می آورد و فشار اقتصادی بر آمریکا و اروپا را موقتاً کاهش می دهد و پس از مدتی دوباره دشمن بر طبل جنگ می کوبد.

اظهارات فاتح بیرونی رئیس آژانس بین المللی انرژی نیز دقیقاً همین نگرانی را تأیید می کند. او هشدار داده که خرابی نفت در حال کاهش است و اگر صادرات خاورمیانه به بازار باز نگردد، جهان در ماه های ژوئیه و اوت وارد «منطقه قرمز» انرژی خواهد شد. در چنین شرایطی، طبیعی است که بازگشایی هرمز بیش

از هر چیز، به نفع بازارهای غربی باشد. شواهد نشان می دهد برنامه دشمن برای سه ماه پیش رو شامل این ۶ مورد است: ۱. امضای تفاهم نامه، ۲. آزادسازی عبور نفتکشها از تنگه هرمز، ۳. کاهش فوری و شدید قیمت نفت جهانی و انرژی در آمریکا، ۴. شارژ مجدد ذخائر راهبردی نفت جهان و ایجاد آمادگی برای ۳ ماه نبرد مجدد، ۵. دبه کردن در مذاکرات نهایی و ۶. حمله مجدد به ایران در اوج گرما!

بر اساس برنامه ریزی آمریکا اگر مذاکرات هسته ای در این فرصت کوتاه به نتیجه نرسد همان محاصره دریایی، فشار اقتصادی و حمله نظامی بازمی گردد.

همین مسئله این نگرانی را تقویت کرده که آمریکا پس از عبور از شوک انرژی، کاهش قیمت نفت، پایان فصل پرمصرف تابستان، بازسازی سامانه های دفاعی و ترمیم توان آفندی متحدانش، دوباره ایران را به «عدم پایبندی» متهم کند و فشارها و جنگ را آن هم در فصل تابستان ایران از سر بگیرد.

آرامش بازار، تعلیق بحران

تفاهم موقت روی میز، بیش از آنکه توافقی برای حل ریشه ای اختلافات باشد، به پروژه ای برای عبور غرب از تابستان سخت انرژی شباهت دارد؛ توافقی که شاید بازار نفت را آرام کند، اما نه تضمینی برای پایان تحریم ها دارد، نه مانعی جدی برای بازگشت فشار و حتی جنگ در روزهای پس از پایان مهلت ۶۰ روزه.

یادداشت

صدای سقوط آمریکا در باتلاق خاورمیانه

امیر شهشهانی
روزنامه نگار

در واشنگتن، شکافی در حال عمیق تر شدن است؛ شکافی میان «آمریکای جنگ طلب سنتی» و جریان تازه ای که حتی از دل اردوگاه ترامپ نیز فریاد می زند جنگ با ایران آغاز افول آمریکاست. حالا دیگر مخالفت با ماجراجویی علیه ایران فقط از زبان دموکرات ها یا محافل ضد جنگ شنیده نمی شود؛ چهره هایی چون تا کر کارلسون، مارگری تیلر گرین، جو کنت، مگان کلی و مهم تر از همه «البریدج کولبی» نیز همان هشدار را تکرار می کنند: جنگ با ایران، نه نمایش قدرت، بلکه «تله استراتژیک» برای سقوط تدریجی آمریکاست. اهمیت سخنان کولبی در این است که او برخلاف دموکرات های ضد جنگ یا جریان های لیبرال، دقیقاً از قلب مکتب «اول آمریکا» سخن می گوید؛ جریانی که قرار بود آمریکا را از جنگ های بی پایان نجات دهد. او نه یک فعال صلح طلب، بلکه طراح راهبرد نظامی آمریکاست؛ کسی که جهان را با منطق توازن قدرت و محاسبه فرسایش می بیند. برای همین، وقتی چنین چهره ای جنگ با ایران را «باتلاق» توصیف می کند این اعتراف به محدودیت قدرت آمریکاست.

کولبی در نظریه مشهور خود یعنی «اولویت بندی راهبردی» یک گزاره کلیدی دارد: «آمریکا دیگر توان حضور همزمان در همه جبهه ها را ندارد.» از نگاه او، تنها تهدید واقعی برای هژمونی آمریکا، چین است و هر گلوله ای که در خاورمیانه شلیک شود، در عمل از توان بازدارندگی واشنگتن در شرق آسیا کم می کند. او آشکارا هشدار داده است که «ما نمی توانیم همزمان در حال تغییر رژیم در تهران و بازدارندگی در تایوان باشیم.»

این گزاره، امروز به کابوس پنهان ترامپ تبدیل شده است. رئیس جمهوری که با شعار پایان دادن به «جنگ های بی پایان» رأی گرفت، حالا زیر فشار همان شبکه نومحافظه کار و لابی های جنگ طلب قرار گرفته که سال ها آمریکا را در عراق و افغانستان زمین گیر کردند. با این تفاوت که این بار عامل بدتری همچون تصمیم گیری رژیم ۹ میلیونی نفی همچون اسرائیل نیز برای کشور ۳۵۰ میلیونی آمریکایک به این عوامل اضافه شده است. ترامپی که قرار بود نماد شورش علیه «دولت پنهان جنگ» باشد، اکنون در معرض افتادن به همان چاهی قرار دارد که بوش و او با ما و بایدن را فرسوده کرد.

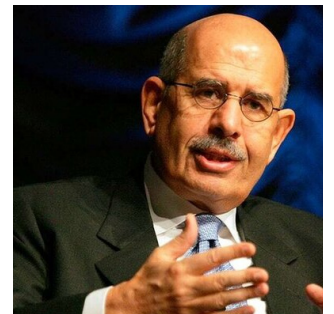
کولبی در تحلیل خود از ایران، برخلاف چهره هایی نظیر جان بولتون و مایک پمپئو، مسئله را ایدئولوژیک نمی بیند. او ایران را رقیبی توصیف می کند که درگیر شدن مستقیم با آن، آمریکا را وارد جنگی فرسایشی و پرهزینه خواهد کرد.

پشت این مواضع، یک واقعیت تلخ برای واشنگتن پنهان است؛ آمریکایی که روزی از «نظم نوین جهانی» سخن می گفت، امروز به نقطه ای رسیده که معماران استراتژی دفاعی اش حتی در چارچوب ترامپی، نسخه «عقب نشینی مدیریت شده» می بینند. او معتقد است کشورهای منطقه باید خودشان هزینه امنیتشان را بپردازند و واشنگتن دیگر نمی تواند «گارد محافظ انرژی جهان» باقی بماند. این تغییر لحن اعترافی سرد به افول توان هژمونیک آمریکا است.

سیاست خارجی

البرادعی: ترامپ دیوانه در پی یافتن راه خروج از جنگ فاجعه بار است

«محمد البرادعی» مدیرکل سابق آژانس بین المللی انرژی اتمی و دیپلمات مصری در یادداشتی در شبکه اجتماعی «ایکس» به شدت از اتفاقات اخیر مرتبط با تلاش های ظاهری دونالد ترامپ برای پایان دادن به جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران انتقاد کرد. وی در این یادداشت که همزمان با اعلام پیشرفت در مذاکرات برای دستیابی به توافق آتش بس توسط «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا منتشر شد، این جنگ را «تجاوزکارانه و فاجعه بار» توصیف کرد. البرادعی در پیام خود نوشت: «جنگی تجاوزکارانه و فاجعه بار برای دومین بار توسط یک فرد دیوانه (ترامپ) و فردی تحت تعقیب دیوان کیفری بین المللی (بنیامین نتانیاها) آغاز شد و اکنون فرد نخست تلاش می کند راهی برای خروج از آن بیابد و با دولت های منطقه تماس بگیرد تا این گونه القا کند که جنگ، یک درگیری منطقه ای مشترک بوده است، این در حالی است که کشورهای منطقه تنها پس از آغاز درگیری از آن مطلع شدند.» او این وضعیت را نشانه ای از «عصر فریب، نفاق و تحقیر» دانست و نسبت به نحوه روایت سازی ترامپ از جنگ متجاوزانه علیه ایران و تلاش برای تغییر چارچوب آن انتقاد کرد. این اظهارات در حالی مطرح می شود که رئیس جمهور آمریکا پیشتر از پیشرفت در مذاکرات با ایران درباره توافقی جامع برای توقف درگیری ها خبر داده و به تماس های خود با شماری از رهبران منطقه در این باره اشاره کرده بود.



یادداشت

هنوز کوچک هستی!

سعید قاسمی
 روزنامه‌نگار

رضا کیانیان باز هم روبه‌روی دوربین نشسته و از «قهر با تلویزیون» صحبت کرده است؛ انگار نه انگار که همین تلویزیون در ۲۵ سال اخیر دست کم در دوازده سریال به او میدان و شهرت داده و از اولسیریتی ساخته است. به ویژه با مختار نامه؛ پروژه‌ای که ویترین رسمی رسانه جمهوری اسلامی بود. حالا سؤال ساده اینجاست: آن موقع که کیانیان در مهم‌ترین پروژه‌های تلویزیون بازی می‌کرد و دستمزد های نجومی می‌گرفت، تلویزیون ملی بود، اما حالا که دیگر در آن جایگاهی ندارد، شده تریبون «گروه خاص»؟ واقعاً امثال کیانیان هرچه دارند از همین تلویزیون و همین سینمای ایران دارند. نه هالیوود در کار بود، نه بازار جهانی‌ای که آنها را کشف کرده باشد. این ساختار رسانه‌ای جمهوری اسلامی بوده که از یک چهره معمولی، برند فرهنگی ساخته است. حالا همان آدم نشسته و ژست اپوزیسیون فرهنگی می‌گیرد؛ آن هم با ادبیاتی پر از خود بزرگ بینی و توهم اهمیت تاریخی. کیانیان می‌گوید: «من خودم را کوچک نمی‌کنم». مسئله دقیقاً همین است؛ کسی نیست تا به او بگوید تو هیچ وقت آن قدر بزرگ نبوده‌ای که حالا کوچک شدنت معنا داشته باشد. آدم‌های واقعاً بزرگ احتیاجی ندارند هر چند جمله یک‌بار درباره بزرگی خودشان حرف بزنند. باید به او گفت کارنامه‌ات را نگاه کن که پر است از همکاری با طیف‌های کاملاً رسمی و حتی منتهی‌الیه جریان حزب‌اللهی و بازی در پروژه‌هایی که مستقیم با بودجه و سیاست رسمی کشور ساخته شده‌اند. بالاخره کجا ایستاده‌ای؟ مسئله چیست؟ اگر آن فضا بد بود، چرا سال‌ها از آن ارتزاق کردی؟ اگر خوب بود، این ژست‌های دیر هنگام برای چیست؟ تناقض در رفتار بخشی از سلبریتی‌های ایرانی دیگر از حد گذشته است؛ سال‌ها با پول، آتن و اعتبار رسمی بالا می‌آیند، بعد وقتی تاریخ مصرفشان به پایان می‌رسد، ناگهان نقش روشنفکر معترض را بازی می‌کنند. مشکل اینجاست که مردم حافظه دارند. یادشان هست چه کسانی با همین رسانه مشهور شدند و بعد، در اولین فرصت، به همان نردبانی که از آن بالا رفتند لگد زدند.

کن ۲۰۲۶ با معرفی برندگانش به پایان رسید؛ فرهادی در قعر جدول

لوکس تروبی خاصیت تراز همیشه

بحران بودند: جنگ، اقتدارگرایی، مهاجرت، فروپاشی خانواده و خشونت ساختاری. اما خود جشنواره همچنان در چارچوب همان نظم سیاسی و اقتصادی‌ای حرکت کرد که این بحران‌ها را تولید می‌کند.

جشنواره امسال کن بیش از هر سال دیگری نشان داد که سرمایه‌داری فرهنگی غرب چگونه حتی خشم، جنگ، مهاجرت و فروپاشی اجتماعی را هم به محصولی شیک برای مصرف تبدیل می‌کند. بیشتر فیلم‌های مهم جشنواره درباره



محمد قربانی
 روزنامه‌نگار

رؤیابرداری شده» بیشترین تحسین را دریافت کردند، اما نتوانستند جوایز اصلی را به دست آورند. این مسئله بار دیگر نشان داد که کن امروز بیش از آن که محل کشف رادیکالیسم سینمایی باشد، محل مدیریت و مهار آن است؛ جایی که آثار تحسین‌شده فقط تا زمانی پذیرفته می‌شوند که نظم فرهنگی مسلط را تهدید نکنند.

در این میان، برخورد با اصغر فرهادی معنای سیاسی مهمی داشت. فیلم تازه او، «داستان‌های موازی»، تقریباً در پایین جدول منتقدان قرار گرفت و بسیاری آن را شکست جشنواره دانستند. اما مسئله فقط کیفیت فیلم نبود. فرهادی سال‌ها برای غرب چهره‌ای ایده‌آل بوده است؛ فیلمساز از جهان سوم که به اصطلاح بحران‌های اجتماعی ایران را با زبانی قابل فهم برای طبقه متوسط غربی روایت می‌کرد. آنا را هم «شرقی» بودند و هم به اندازه کافی جهان‌شمول که بتوانند در بازار جهانی فرهنگ مصرف شوند.

اما حالا که فرهادی دیگر در ایران فیلم نمی‌سازد و وارد پروژه‌های اروپایی شده، همان منتقدانی که زمانی او را نابغه پمچیدگی اخلاقی می‌دانستند، آتش را «بی‌رمق» و «بی‌هویت» توصیف می‌کنند. این برخورد فقط سلیقه‌ای نیست؛ نشانه رابطه نابرابر مرکز و پیرامون در بازار جهانی فرهنگ است. غرب اغلب از فیلمساز جهان سومی انتظار دارد «رنج بومی» تولید کند، نه اینکه مانند یک مؤلف اروپایی آزادانه در هر جغرافیایی کار کند. فرهادی وقتی از ایران حرف می‌زد، برای جشنواره‌ها ارزش نمادین داشت؛ اما وقتی وارد خود اروپا شد، دیگر آن «دیگری جذاب» سابق نبود.

کن ۲۰۲۶ در نهایت بیش از هر چیز بحران خود سینمای هنری غرب را آشکار کرد: سینمایی که هنوز درباره استعمار، جنگ و فروپاشی حرف می‌زند، اما دیگر نمی‌تواند از افق‌های سیاسی نظم موجود فراتر برود و به ویرینی لوکس و بی‌خاصیت تبدیل شده است.

نخل طلا به فیلم «فیورد» رسید؛ اثری درباره خشونت پنهان دولت رفاه اروپا علیه مهاجران شرقی. با این حال انتخاب آن بیشتر از آنکه رادیکال باشد، نوعی انتقاد کنترل‌شده و اخلاقی از لیبرالیسم اروپایی بود. در مقابل، فیلم‌هایی که منتقدان واقعاً دوست داشتند - مثل «سرزمین پدری» یا «ناگهان» - یا کنار گذاشته شدند یا فقط جوایز فرعی را گرفتند. مهم‌تر از همه، برخورد سرد با اصغر فرهادی بار دیگر این پرسش را زنده کرد که آیا غرب فقط زمانی فیلمساز جهان سومی را تحویل می‌گیرد که او «نمایند رنج بومی» باشد؟ کن امسال از همان ابتدا با این تصور همراه بود که جشنواره‌ای کم‌رمق و فاقد شکوه سال‌های گذشته است. بسیاری از منتقدان از «کن معمولی» حرف زدند؛ جشنواره‌ای که فیلم‌هایش اگرچه حرفه‌ای و خوش ساخت بودند، اما کمتر اثری در آن واقعاً تکان دهنده بود. این وضعیت بیش از آن که نشانه ضعف فیلمسازان باشد، بازتاب بحران خود سینمای مؤلف اروپایی است؛ سینمایی که هنوز می‌خواهد سیاسی به نظر برسد، اما دیگر توان تخیل رادیکال ندارد.

برنده نخل طلا، «فیورد»، داستان خانواده‌ای مهاجر را روایت می‌کند که زیر فشار نهاد های رفاهی شمال اروپا متلاشی می‌شوند. فیلم با دقت و خونسردی ساخته شده، اما سیاستش در نهایت به اخلاق فردی تقلیل پیدا می‌کند. اروپا در راین فیلم بی‌رحم است، اما نه به عنوان یک ساختار سرمایه‌داری و استعماری؛ بلکه صرفاً به عنوان دستگاهی سرد و بروکراتیک. بی‌خطری سیاسی این فیلم برای شمال جهانی احتمالاً آن را برای هیئت داوران تبدیل به انتخابی مناسب کرده است. شکاف اصلی جشنواره‌ها اما میان سلیقه منتقدان و تصمیم هیئت داوران بود. در جدول منتقدان، فیلم‌هایی مثل «سرزمین پدری»، «ناگهان» و «ماجرای

یادداشت

سینماگران از قطار فیلمسازی پیاده می‌شوند

ایمان عظیمی
 منتقد سینما

فیلم دوم علی بهراد، «تهران کنارت» پس از یک هفته فروش پایین در جایگاه سوم جدول فروش قرار گرفت. این اثر در هفته اول نمایش عمومی‌اش با احتساب بلیت ۱۸۰ هزار تومانی کمتر از یک میلیارد تومان فروخت، اما پس از انتشار تیزرش و همین‌طور جزئیات داستان در فضای مجازی بود که ماجرا تغییر کرد و فیلم با جهشی قابل توجه به فروش پنج میلیارد تومانی در هفته دوم خود رسید.

دلیل حساسیت تعدادی از مخاطبان آگاه نسبت به وجود صدای یک ری‌رزن در تیزر کاملاً مشخص است. سوای مسائل شرعی بهره بردن سازندگان فیلم از صدای یک خواننده زن در تبلیغات، آن خواننده کسی است که نه تنها دوشادوش رضا پهلوی در تجمعات مختلف و رنگارنگ خارج از کشور شرکت کرده است، بلکه در برهه‌ها و بزنگاه‌های مختلف تا جایی که توانسته علیه ایران و اسلام لگد پرانی کرده و حتی در این زمینه کارش به توهین کلامی علیه شهدا هم رسیده است.

با این حال اگر خیال می‌کنید استفاده از صدای این ری‌رزن در تهران کنارت مداخله‌ای در میان سینماگران ندارد، سخت در اشتباهید. برای مثال بعد از کمپینی که توسط مردم به منظور توقیف این فیلم در خروجی خبرگزاری فارس قرار گرفت، یکی از تهیه‌کنندگان با سابقه و نام‌آشنای سینمای فارسی - که کارهایش نسخه سخیف‌تر فیلم‌های دهه چهل و پنجاه است - با زبانی کوچه‌بازاری به دفاع از علی بهراد و فیلم تهران کنارت پرداخت و منتقدان و مخالفان نمایش عمومی اثر مورد نظر را مُشتی دل‌واپس که می‌خواهند جلوی روند طبیعی بازار فیلم را بگیرند، خواند.

البته مستولان امر به داد و قال این فیلمفارسی‌ساز شناسنامه‌دار توجهی نشان ندادند و ادامه اکران فیلم را منوط به اعمال اصلاحات مجدد کردند، اما نباید این نکته را از نظر دور داشت که پس از مرتفع شدن مسئله، مخاطبان به شکل غیرطبیعی و از سر کنجکاوی به تماشای فیلم خواهند رفت. اقدام درست‌ترین بود که پیش از ایجاد دعوای غیر ضروری، جلوی اکران تهران کنارت گرفته می‌شد تا افراد ظاهربین از شکاف‌ها به نفع خود و کاسبی ورشکسته‌شان بهره‌برداری نکنند.



فیلم «مینوتور» ساخته آندری زویاگینتسوف در شب اهدای جوایز هفتادونهمین جشنواره فیلم کن، با دست خالی این فستیوال را ترک نکرد و برنده جایزه بزرگ هیئت داوران شد. جغرافیای این اثر در روسیه معاصر و در دوران دولت پوتین می‌گذرد و فیلمساز در آن با مفاهیمی نظیر خیانت، پنهان‌کاری

کن دست از سیاسی‌بازی برداشت